

# کمال انسان از دیدگاه شهید مرتضی مطهری و اریک فروم

علاءالدین ملکاف<sup>۱</sup> طلبه سطح چهار مجتمع آموزش عالی امام خمینی(ره)

## چکیده

انسان از جنبه‌های گوناگون یکی از مهم‌ترین محورهای بحث همهٔ مکتب‌ها و جهان‌بینی‌هاست. با پیدایش نظام‌های فکری، تفسیرهای گوناگونی از انسان و کمال او به وجود آمد. در این میان، برخی دیدگاه‌ها منظر خویش را طوری سامان داده‌اند که بررسی آن، انسان را به دستگاه مفهومی آن جریان فکری کاملاً مسلط می‌کند. از جمله مفاهیم کلیدی در معارف اسلامی، به شکل عام و در عرفان اسلامی به شکل خاص، مفهوم «انسان کامل» است.

در این مقاله، انسان کامل در فرهنگ اسلامی و مقایسه آن با دیدگاه فرهنگ جدید غرب و به عبارتی «اومانیسم»، به بحث گذاشته شده است. انسان‌شناس معاصر استاد مرتضی مطهری، انسان کامل را چنین معرفی می‌کند: «انسان کامل اسلامی، انسانی است که تمام ارزش‌های انسانی، هماهنگ با هم در او رشد کرده باشد». از آنجا که مباحث این استاد به صورت متفرقه در آثارش بیان شده است و خود ایشان فرصت تنظیم و ترتیب منطقی آنها را نیافته این نوشتار بر آن است تا گزارشی هر چند مختصر، در مورد انسان کامل از دیدگاه ایشان را بیان و دیدگاه ایشان را با دیدگاه اریک فروم مقایسه کند. اریک فروم در فرهنگ اومانیستی کامل به سر برده است. سعادت و کمال انسان را به قدر انسان سالم و به منزله کسی که تنها وظایف شهروندی را به‌خوبی رعایت می‌کند، می‌کاهد. به دیگر سخن، پس از بیان تعریف دو اندیشمند از انسان، علل و عوامل مؤثر در رشد کمال انسان را آورده و آنها را مقایسه کرده‌ایم. از همان تعریف و علل و عوامل رشد، مشخص می‌شود که نگاه به انسان در منظر دو متفکر کاملاً گوناگون است. از این‌رو، در پی آن بوده‌ایم که کمال انسان را با استفاده از آموزه‌های دو اندیشمند متعلق به دو حوزهٔ فرهنگی گوناگون توضیح داده و نشان دهیم که ارزش انسان در فرهنگ اسلامی، بسی بالاتر و ارزشمندتر از تصویر یک انسان در فرهنگ غربی است. کلید واژگان: انسان کامل، انسان سالم، آزادی، انسان‌محوری، خدامحوری.

می‌گوید: «روح انسان در دامن جسم او زاییده می‌شود و تکامل می‌یابد و به استقلال می‌رسد. حیوانیت انسان به منزله لانه و آشیانه‌ای است که انسانیت در او رشد می‌کند و متکامل می‌شود».<sup>۶</sup>

### انسان در تعریف اریک فروم

از نظر اریک فروم که از فیلسوفان مشهور و «آگزیستانسیال» غربی است، انسان<sup>۷</sup> تنها موجودی است که هم با صفات جسمانی ویژه و هم با صفات روانی تعریف شدنی است. در واقع، وجه تمایز انسان با حیوان در همین ویژگی‌ها نهفته است.<sup>۸</sup> به عبارت دیگر، انسان از جهت سرشت وجودی خود، از دیگر موجودات متمایز می‌شود. از همین رو برای شناخت سرشت انسان، باید جنبه‌های زیستی و روانی او مطالعه و بررسی شود.

### نقد و بررسی دو دیدگاه

استاد مطهری در تعریف انسان، از تعبیری استفاده کرده که شاید بتوان گفت بیان‌کننده جامع تفاوت‌های اساسی انسان و حیوان است. ایشان علم و ایمان را ملاک امتیاز انسان از سایر حیوانات عنوان می‌کند.

اما اریک فروم وجه تمایز انسان با حیوان را در اوصاف (اعم از جسمی و روانی) و ویژگی‌های نهفته او می‌داند. هر چند تعریفی که او مطرح می‌کند، نسبت به برخی از تعاریف بیان شده در مورد انسان بهتر و کامل‌تر است. اما تعریف مانع و جامعی نیست. اما تعریفی که استاد مطهری از انسان ارائه می‌دهد، با روح خلقت آدمی و آیه‌های قرآنی مطابقت کامل دارد.

استاد مطهری می‌فرماید: «انسان حیوانی است که با دو امتیاز علم و ایمان، از دیگر جانداران امتیاز یافته است. انسان به دلیل برخورداری از نیروی عقل، از ظاهر اشیا فراتر می‌رود و به ذات و ماهیت آنها نفوذ می‌کند. از این رو، می‌تواند قوانین کلی جهان را کشف کند و بر طبیعت تسلط یابد. اما این مسئله در مورد حیوان صادق نیست».

### درآمد

حمد و سپاس سرمدی خدای را که انسان را به احسن تقویم آفرید. «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»<sup>۹</sup> و او را خلیفه و جانشین خود بر روی زمین قرار داد. «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»<sup>۱۰</sup> پروردگار تو به فرشتگان فرمود: من در زمین خلیفه‌ای قرار خواهم داد. مقاله حاضر، این مهم را از دیدگاه مرتضی مطهری و اریک فروم نقد و بررسی کرده و تلاش می‌کند به وسیله این دو اندیشمند، رویکرد اسلام و اومانیسم را در مورد انسان نشان دهد.

### انسان در تعریف استاد مطهری

استاد مطهری، انسان را با دو ویژگی علم و ایمان تعریف می‌کند و او را از سایر جانداران ممتاز می‌سازد. ایشان می‌گوید: «انسان حیوانی است که با دو امتیاز علم و ایمان، از دیگر جانداران امتیاز یافته است. انسان به دلیل برخورداری از نیروی عقل، از ظاهر اشیا فراتر می‌رود و به ذات و ماهیت آنها نفوذ می‌کند. از این رو، می‌تواند قوانین کلی جهان را کشف کند و بر طبیعت تسلط یابد، اما این مسئله در مورد حیوان صادق نیست».<sup>۱۱</sup>

اما ایمان حقیقی است مربوط به روح انسان، و به گرایش‌های معنوی او، ایمان‌گرایی است فوق‌گرایش‌های حیوانی انسان. از نظر استاد مطهری، انسان موجودی است که سیر تکاملی او از حیوانیت آغاز می‌شود و به سوی انسانیت کمال می‌یابد. وی

عشق در زندگی  
آثار تربیتی  
فروانی دارد.  
برای نمونه، روحیه  
اطاعت‌پذیری  
را در انسان  
تقویت می‌کند  
و مانع منیت و  
خودخواهی در  
انسان می‌شود.  
عشق انواع  
گوناگونی دارد:  
عشق حقیقی و  
عشق مجازی. در  
این میان بهترین  
و والاترین عشق،  
عشق به خدا و  
اولیای الهی است  
که همان عشق  
حقیقی است.



### عوامل مؤثر در رشد و کمال انسان

مهم‌ترین مسئله در بحث رشد، هدف از رشد است. تا هدف از رشد مشخص نشود، نمی‌توان سخن از عوامل رشد به میان آورد. اما در هر مکتبی با توجه به تفسیر آن از دیدگاهش درباره انسان، عوامل رشد متفاوت است. حال باید دید استاد مطهری و اریک فروم به عنوان نماینده دو مکتب جداگانه چه نظری دارند:

### علل و عوامل رشد انسان از دیدگاه استاد مطهری

۱. علم و تفکر  
از علل رشد از نگاه استاد مطهری علم و تفکر است؛ البته علمی که انسان را به سمت خدا بکشاند

و هدفمند بودن نظام هستی را نشان دهد. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ»<sup>۱۰</sup>

### ۲. ایمان

ایمان همان اعتقاد قلبی به خدا و دستوراتش است. از مهم‌ترین تأثیرهای ایمان به خدا، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:  
الف) ایستادگی در برابر مشکلات زندگی؛  
ب) رسیدن به انبساط روحی و آرامش درونی؛  
ج) هدفمند شدن زندگی؛  
د) رشد و تعالی و رسیدن به کمال نهایی.<sup>۱۱</sup>

### ۳. عمل

عمل، سازنده شخصیت انسان است و عمل همراه با ایمان موجب تعالی روح انسان می‌شود. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَ مَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ»<sup>۱۲</sup>

### ۴. تربیت

تربیت به معنای رشد و پرورش دادن است. این کار بر مبنای قبول کردن یک سلسله استعدادها و ویژگی‌ها در انسان است. این عامل سبب می‌شود استعدادهای درونی انسان به شیوه صحیح پرورش یافته و به فعلیت برسند.

### ۵. تزکیه نفس

این عامل موجب تقویت اراده و تحقق افعال اخلاقی می‌شود و این امر خود تأثیر بسیاری در رشد و تعالی انسان دارد.

### ۶. نقش دین در کنترل غرایز

از آنجا که دین انسان و مقصد او را خوب می‌شناسد، می‌تواند هدایت‌گر خوبی برای غرایز باشد. آنها را به شیوه درست مهار و کنترل کند.

### ۷. نقش عشق در زندگی

عشق در زندگی آثار تربیتی فراوانی دارد. برای نمونه، روحیه اطاعت‌پذیری را در انسان تقویت می‌کند و مانع منیت و خودخواهی در انسان می‌شود. عشق انواع گوناگونی دارد: عشق حقیقی و عشق مجازی. در این میان بهترین و والاترین عشق، عشق به خدا و اولیای الهی است که همان عشق حقیقی است.<sup>۱۳</sup>

### ۸. رشد انسان و آزادی

آزادی حق فطری و خدادادی هر انسانی است. استاد برخلاف مکتب لیبرالیسم معتقد است آزادی، هدف نیست، بلکه تنها وسیله‌ای است برای بندگی و رسیدن به کمال نهایی. بنابراین، آزادی یکی از لوازم رشد و تعالی انسان است. بدین ترتیب، در تعریف آزادی، می‌توان گفت آزادی، لزوم عدم مانع است. به عبارت دیگر، آزادی در واقع برداشتن موانعی است که در مسیر کمال برای انسان پیش می‌آید. بر همین اساس، آزادی را به چند قسم تقسیم می‌کند:

الف) آزادی اجتماعی؛

ب) آزادی معنوی؛

ج) آزادی تفکر؛

د) آزادی عقیده.<sup>۱۴</sup>

## علل و عوامل رشد انسان از دیدگاه اریک فروم

### ۱. اومانستی کردن نظام صنعتی

فروم تنها راه نجات، رشد و پیشرفت در نظام کنونی را اومانستی کردن آن می‌داند. او برای رسیدن به این مهم راه‌های زیر را به انسان پیشنهاد می‌کند:

راه‌حل اول: برنامه‌ریزی اومانستیک که محوریت آن انسان و نیازهای اوست و هدفش ایجاد جامعه صنعتی است که کانون و مقصود اصلی آن رشد و پیشرفت انسان باشد، نه حداکثر تولید و مصرف.

راه‌حل دوم: فعال کردن و آزاد ساختن نیروهاست. به معنای جایگزین کردن بوروکراسی اومانستی به جای از خود بیگانگی ماشینی.

راه‌حل سوم: جایگزین کردن مصرف اومانستی به جای مصرف ماشینی. در نظام ماشینی، الگوی مصرف اجباری است و سبب اضطراب و ناامیدی می‌شود. اما در مصرف اومانستی، فرد این امکان را دارد که با انتخاب اشیاء مصرفی، اعتماد به نفس خویش را تقویت کند.<sup>۱۵</sup>

### ۲. امید

امید لازمه روانی زندگی و رشد است. امید، یک عامل پویا و روح بخش در زندگی است که او

را از حالت انفعالی بیرون می‌آورد. بنابراین، امید یک کیفیت انفعالی و یا کنش‌پذیر نیست، بلکه به تعبیر فروم، امید مانند ببر خیزی است که وقتی زمان جهیدن فرا می‌رسد، خواهید جهید.<sup>۱۶</sup>

### ۳. عشق به زندگی

زندگی‌پرستی، درست نقطه مقابل مرگ‌پرستی است. اریک فروم برای پرورش زندگی‌پرستی در انسان، شرایطی را عنوان می‌کند که از مهم‌ترین آنها با عنوان «آزادی» نام می‌برد. به نظر فروم

از آنجا که دین انسان  
و مقصد او را خوب  
می‌شناسد، می‌تواند  
هدایت‌گر خوبی برای  
غرایز باشد و آنها را به  
شیوه درست مهار و  
کنترل کند.

برای پرورش عشق به زندگی، باید آزادی برای آفرینندگی و سازندگی وجود داشته باشد. با چنین آزادی‌ای فرد، فعال و مسئول بار می‌آید.<sup>۱۷</sup> مقصود او از آزادی چیست؟

### ۴. آزادی

اریک فروم از آزادی به شکل لیبرالی یاد می‌کند. به نظر او انسان دو راه پیش‌رو دارد: الف) گریز از آزادی؛ ب) گسترش آزادی در قالب عشق بارور. فروم راه‌حل اول را که از آن با عنوان «مکانیسم‌های گریز از آزادی» نام می‌برد، به شدت محکوم می‌کند و آن را روشی ناسالم

معرفی می‌کند.<sup>۱۸</sup> او در راه‌حل دوم می‌گوید: «راه‌حل غلبه بر اضطراب و تنهایی، عشق بالغ انسان کامل است».

آری! فروم در پی یافتن راه‌حلی برای تنهایی بشر، فرمولی را ارائه می‌دهد که بر مبنای آن هم، صورت فردی افراد حفظ می‌شود و هم انسان در ارتباط عمیق خود با دیگران، تنهایی و اضطراب را فراموش می‌کند. به اعتقاد وی، عشق نیرویی است که موانع بین انسان‌ها را برمی‌دارد و آنها را با هم پیوند می‌دهد.<sup>۱۹</sup>

### ۵. اخلاق اومانستیک

اریک فروم اخلاق غیر اومانستی و دینی را اخلاق استبدادی و قدرت‌گرا معرفی می‌کند؛ زیرا به اعتقاد وی دستورات دینی از طریق منبع وحی، مشخص شده و عقل انسان هیچ نقشی در آن ندارد، اما اخلاق اومانستیک مبتنی بر عقل، اراده، آزادی و شکوفایی است.

### ۶. غلبه بر خودشیفتگی

به نظر فروم انسان باید برای رسیدن به رشد و تعالی بر خودشیفتگی غلبه کند. وی برای غلبه بر خودشیفتگی نکاتی را متذکر می‌شود: ۱) موضوع خودشیفتگی را تغییر دهیم؛ ۲) باید جهت‌گیری علمی را به تفکر نقادی و پذیرش واقعیت مجهز کنیم؛ ۳) سطح هوشیاری و آگاهی خود را افزایش دهیم. به نظر فروم این راه‌کارها در صورتی قابل اجراست که جامعه دیوان‌سالار به جامعه انسان‌گرا تبدیل شده باشد.<sup>۲۰</sup>

### ۷. آزادی اراده

آزادی اراده، یعنی توانایی پیروی از عقل در برابر هیجان‌های نامعقول.

### انسان کامل از دیدگاه استاد مطهری

انسان کامل انسانی است که از نظر روحی و روانی دچار مشکل نباشد، به گونه‌ای که بتواند همه استعداد‌های خویش را به شکلی هماهنگ به شکوفایی برساند. اگر استعداد‌های فرد، هماهنگ با یکدیگر رشد پیدا نکند، شخصیت وی متعادل نخواهد بود. ایشان از حضرت علی(ع) به عنوان یک انسان کامل یاد می‌کنند؛ زیرا همه ارزش‌های انسانی در حد اعلی، در ایشان رشد یافته و همچنین، این ارزش‌ها به طور هماهنگ با یکدیگر در وجود او به فعلیت رسیده است.

انسان کامل، انسانی است که همه ارزش‌های انسانی در او رشد کند و هیچ کدام بی‌رشد نماند. همچنین هماهنگ با یکدیگر رشد کند و رشد هر کدام از این ارزش‌ها به حد اعلی برسد. در این صورت، این انسان کامل خواهد شد. انسان موجودی مرکب از جنبه‌های ملکوتی و شهوانی است: «ما او را از آب نطفه مختلط خلق کردیم»<sup>۲۱</sup>.

از سوی دیگر، انسانی کامل است که همه استعداد‌های او به شکلی متعادل و هماهنگ رشد کند. پس انسان برای رسیدن به کمال، باید با استفاده از اراده و اختیاری که به او عطا شده است، تمام استعداد‌های نهفته خویش را به طور هماهنگ رشد دهد. بر همین اساس، استاد مطهری برای انسان سه نوع یا سه مقام قائل می‌شود:

۱. انسان حقیر کوچک،

۲. انسان بلند همت؛

۳. انسان با روح بزرگوار.<sup>۲۲</sup>

ایشان نوع آخر را برترین نوع انسان تلقی می‌کنند؛ زیرا انسان بزرگوار کسی است که هیچ‌گاه

در مقابل رذایل و خواهش‌های نفسانی، شرافت خود را از دست نداده و همواره احساس عزت و کرامت نفس خود را حفظ می‌کند.

### انسان سالم اریک فروم

انسان ایده‌آل اریک فروم، انسان سالمی است که سازنده و بارور باشد. او این سازندگی و بارور بودن را در جنبه‌هایی همچون عشق، تفکر، خوشبختی و وجدان اخلاقی جست‌وجو می‌کند. فروم توضیح می‌دهد که انسان سالم، انسانی است که دارای شخصیت سالم و سازنده‌ای باشد. چنین فردی در عین حضور در اجتماع، هویت فردیت خود را حفظ می‌کند. در نهایت، انسان سالم فروم کسی است که به ندای وجدان انسانی خود گوش فرامی‌دهد و رفتارهایش در جهت رشد و شکوفایی شخصیت اوست؛ به گونه‌ای که در او احساس خوشبختی بار می‌آورد.

اریک فروم معتقد است که شخصیت آدمی، حاصل مجموعه ویژگی‌هایی است که او دارد و این صفات خود از سازش بین نیازهای روان‌شناختی و شرایط اجتماعی که تحت آن زندگی می‌کند به دست می‌آید و حاصل صفات غیر سازنده شخصیت‌های زیر هستند:

۱. دریافت کننده: فرد برای ارضای نیازهای خویش وابسته به دیگران است؛

۲. بهره‌کش: فرد آنچه نیاز دارد، از دیگران به زور می‌گیرد؛

۳. محترک: فرد با احتکار امنیت خود را تأمین می‌کند؛

۴. بازاری: فرد خود را به صورت کالایی می‌بیند که باید بسته‌بندی و فروخته شود.<sup>۲۳</sup>

صفات سازنده‌ای که فروم از آن با عنوان خودانگیختگی یاد می‌کند و معتقد است عواملی که موجب می‌شود تا انسان خود را از قوه به فعلیت برساند و در نهایت خودانگیختگی حاصل شود، به دو صورت است:

۱. عوامل فردی (عشق و کار)؛

۲. عوامل اجتماعی (آزادی، برادری و برابری).<sup>۲۴</sup>

خلاصه اینکه سلامت انسان در خودانگیختگی اوست. به صورتی که فرد در عین عشق‌ورزی به دیگران، فردیت و شخصیت خود را حفظ می‌کند و از تنهایی و اضطراب

نیز رهایی می‌یابد.

فروم به این نکته متذکر می‌شود که فعالیت خودانگیخته، تنها در صورتی امکان دارد که انسان هیچ یک از خواسته‌ها و استعداد‌های نفس خود را سرکوب نکند و تلاش کند خویشتن خویش را بشناسد و باور کند که موجودی فعال و خلاق است و تنها در این زمان است که امنیت فرد، به حقیقت می‌رسد.

### نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه گفته شد، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. نگاه استاد مطهری به مسائل انسان‌شناسی، نگاهی خدامحورانه و فطرتی است. اما نگاه اریک فروم به انسان، یک نگاه اومانستی است؛

۲. نگاه خدامحورانه و فطرتی به همه ابعاد گوناگون وجودی انسان

می‌پردازد. همچنین داده‌های فطرتی به دلیل اتصال به غیب، قطعی و اشتباه‌ناپذیرند. اما نگاه اومانستی انسان را در مسیر شناخت خود با چالش‌ها و موانعی روبه‌رو خواهد کرد؛

۳. در بحث آزادی فروم برای حل مشکل تنهایی انسان و فرار او از آزادی، راه‌حل عشق بارور را مطرح می‌کند، در حالی که خود او در واقع نتوانسته آن را به اثبات برساند. ولی استاد مطهری با انسان‌شناسی خدامحورانه بر آن است

که انسان در مقابل خداوند اصالت ندارد، بلکه هستی او وابسته به خداست و آنچه اصل است، خداست؛

۴. انسان‌شناسی انسان باید بر اساس فطرت‌شناسی باشد؛ زیرا ماهیت و حقیقت انسان در فطرت او نهفته است؛

۵. انسان تنها موجودی است که با فاصله گرفتن از فطرت الهی و استعداد‌های وجودی خویش، سقوط خود را منجر می‌شود و با پرورش استعداد‌های درونی و حرکت در جهت فطرت

الهی، زمینه رشد و تعالی خود را فراهم می‌آورد. از جمله عواملی که موجب تباهی انسان می‌شود، عبارت‌اند از: ماشینی شدن، از خودبیگانگی، ناامیدی، درک نادرست از حقیقت مرگ، خلأ معنویت، جدایی ایمان از عمل و... همچنین عوامل مؤثر در تعالی انسان عبارت‌اند از:

حضور دین در زندگی فردی و اجتماعی و اشباع غرایز تا آنجا که با موازین اخلاقی منافات نداشته باشد، بودن عشق و امید در زندگی، آزادی، جاری بودن اخلاق در زندگی و غلبه بر خودشیفتگی و خودخواهی و...؛

۶. انسان کامل انسانی است که همه استعداد‌های بالقوه خود را به شکلی هماهنگ رشد می‌دهد و از تحقق آن احساس خوشبختی می‌کند؛ انسانی که همه خواسته‌هایش در جهت قرب به حق و رسیدن به کمال نهایی است؛

۷. تفاوت اساسی انسان کامل استاد مطهری و انسان سالم اریک فروم، در این است که استاد مطهری، انسان را در دو نشئه زنده می‌بیند و با نگاه جامع، کمالات نشئه آخرت را هم در انسان کامل ارزیابی می‌کند. ولی اریک فروم، انسان را فقط در این جهان بررسی می‌کند و به عنوان یک شهروند درجه یک به حساب می‌آورد. به کسی هم که وظایف شهروندی را به خوبی انجام داده است، لوح انسان سالم ارائه می‌دهد.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. دانشجوی دوره دکتری فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۲. تین: ۵ و ۶.
۳. بقره: ۳۰.
۴. Eric From
۵. اخلاق جنسی، مطهری، مرتضی، ص ۴۸.
۶. انسان و ایمان، مطهری، مرتضی، ص ۳۷.
۷. Man
۸. انسان برای خویشتن، فروم، اریک، ترجمه: اکبر تبریزی، ص ۱۵.
۹. امدادهای غیبی، مطهری، مرتضی، ص ۲۲.
۱۰. علق: ۱ - ۵.
۱۱. انسان کامل، مطهری، مرتضی، ص ۵۸.
۱۲. انعام: ۱۲۲.
۱۳. فلسفه اخلاق، مطهری، مرتضی، ص ۲۳۰.
۱۴. آزادی معنوی و یا مجموعه آثار، مطهری، مرتضی، ج ۲۳.
۱۵. آناتومی ویرانسازی انسان، فروم، اریک، ترجمه: صبوری، ص ۳۳۸.
۱۶. انقلاب امید، فروم، اریک، ترجمه: مجید روشن‌گر، نشر مروارید، تهران، ۱۳۶۸، ص ۹۹.
۱۷. همان، ص ۱۷۳.
۱۸. رک: گریز از آزادی، اریک فروم، ترجمه: عزت‌الله فولادوند.
۱۹. همان، ص ۵۰.
۲۰. همان، ص ۲۷۴.
۲۱. انسان: ۲.
۲۲. انسان کامل، مطهری، مرتضی، ص ۷۱.
۲۳. جامعه سالم، فروم، اریک، ترجمه اکبر تبریزی، ص ۱۵۳.
۲۴. دل آدمی و گرایش به خیر و شر، فروم، اریک، ترجمه: گیتی خوشدل، ص ۳۶.

**استاد مرتضی مطهری، انسان کامل را چنین معرفی می‌کند: «انسان کامل اسلامی، انسانی است که تمام ارزش‌های انسانی، هماهنگ با هم در او رشد کرده باشد.»**